

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۹
صفحات: ۱۶۸-۱۴۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷

چابول و مجتمع نظامی - صنعتی ایالات متحده: اقتصاد ژئوپلیتیک جنگ سرد و صنعتی سازی کره جنوبی

ساحل عبداللهی منش* / رامین بخشی**

چکیده

در میان محققان شرق آسیا، نقش تدارکات دریایی نظامی ایالات متحده (OSP) و مجتمع نظامی-صنعتی (MIC) در توضیحات مربوط به تغییر سریع صنعتی مورد بی توجهی قرار گرفته است. با این حال، پایه‌های صنعتی شدن در مکان‌هایی مانند کره جنوبی، با توجه به آنالیزها در شرایط قوی "ملی-منطقه‌ای" و دولت مرکزی، به اصطلاح "وبر-جدید" به حساب می‌آیند و هنوز ناکافی هستند. ما استدلال می‌کنیم که یک رویکرد اقتصاد ژئوپلیتیک با تمرکز بر نقش OSP و روابط در MIC ایالات متحده موجب می‌شود که ابعاد اجتماعی و فکری موفقیت صنعتی کشور کره در دوران جنگ ویتنام روشن شود، ابعادی که به طور عمده در گزارش‌های وبر-جدید وجود نداشت. ما به طور خاص به بررسی مشارکت رژیم پارک چانگ هی در جنگ ویتنام و توسعه همراه با چابول صنعتی کره‌ای مانند هیوندای می‌پردازیم و استدلال می‌کنیم که موفقیت‌های کشور در حال توسعه کره جنوبی و چابول با عضویت آنها در MIC ایالات متحده از طریق OSP امکان پذیر شد.

کلید واژه‌ها

چابول، جنگ ویتنام، کشور در حال توسعه، کره جنوبی، تدارکات دریایی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Sahel.abdollahii7371@gmail.com

bakhshiramin14@yahoo.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

در ۱۷ ژانویه سال ۱۹۶۴، لیندون ب جانسون به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده تلاش خود را برای پیروزی در جنگ ویتنام تشدید کرد. دفتر دستیار وزیر دفاع، راسول گیل پاتریک، خبری منتشر کرد و اعلام کرد که این وزارت یک سری رهنمود های دسته بندی شده برای صنعت را در خصوص برنامه های توسعه و تدارکات (خرید) ارائه می دهد. یادداشت گیل پاتریک، همانطور که در نشست خبری مطرح شد، به "ادارات نظامی و رئیس ادارات دفاع درگیر در فعالیت های توسعه" مربوط می شد. این یادداشت، صنایع را در نیمه اول سال ۱۹۶۴ به شش رهنمود در خصوص هواپیما، اسلحه و مهمات، مواد شیمیایی و بیولوژیکی، الکترونیک، موشک و محصولات هسته ای و در نیمه ی دوم سال به شش رهنمود در خصوص لباس، قدرت احتراق داخلی، محصولات مکانیکی، تحقیقات، کشتی سازی، و حمل و نقل زمینی ارجاع داد. هدف از این رهنمودها این بود که "رهبری صنعتی را با یک تصویر دفاعی کلی در مورد توسعه و نیازهای تدارکاتی بلند مدت" از جمله تغییرات پیش بینی شده در برنامه های توسعه و تهیه، فراهم کند. در حالی که محدوده صنایع مورد بحث و بررسی ممکن بود برنامه گسترده ای از اطلاعات را شامل شود، این روند در واقع بسیار انتخابی بود: رهنمود ها طبقه بندی شده بود؛ بیش از سه نفر از مدیران هر یک از ادارات مجاز به حضور نبودند (به این دلیل که "رویکرد سطح بالا در نظر گرفته شد") و شرکت ها محدود به کسانی بودند که می توانستند یک شفافیت امنیتی مناسب را از طریق بخش میزبان حاصل کنند، به این ترتیب کسانی که قبلا قراردادهای تحقیق و توسعه را با وزارت دفاع (DOD) منعقد کرده بودند، مورد توجه قرار می داد.

در حالی که در مورد این اعلام هیچ چیزی تعجب آور نیست، می توان به همین دلیل از آن به صورت دقیق برای اشاره به مفاد اصلی در مورد قراردادهای دفاعی ایالات متحده استفاده کرد: مشارکت در تهیه نظامی ایالات متحده به طور معمول محدود به شرکت های خاص و خوب در صنایع کلیدی می شود و نه آن دسته از شرکت ها که از اصول ایده آل "بازار آزاد" پیروی نمی کنند. با از بین بردن محدودیت های خرید عمومی، اختلاط های صنعتی مهم کره جنوبی، چابول، در دوران پیش از وقوع جنگ ویتنام، اقدام به عضویت در بسیاری از قراردادهای تدارکات دریایی با ارتش ایالات متحده کردند و به طور موثر تبدیل به یک بازیگر در مجتمع صنعتی-نظامی ایالات متحده (MIC) شدند. این یک نتیجه منحصر به فرد حتی در میان متحدان جنگ

سرد ایالات متحده بود و ما استدلال می کنیم که به طور قابل توجهی تغییر شگفت آور صنعتی کره جنوبی را شکل داده است.

ادبیات مربوط به تدارکات نظامی و رشد اقتصادی ایالات متحده نقش این تدارکات را در تحول صنعتی ایالات متحده بسیار روشن می کند (eg, Block, 2008; Cumings, 2010; Ruttan, 2006). با این حال، به طرز شگفت انگیزی، نقش تدارکات نظامی در شکل دهی مسیرهای توسعه خارج از شمال جهان مورد مطالعه قرار نگرفته است. حتی در مورد اقتصادهای آسیب دیده در شرق آسیا، نقش تدارکات نظامی تحت تجزیه و تحلیل است: در حالی که مقالات بسیاری از بازسازی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم از طریق جنگ OSP آمریکا و کره نوشته شده است، در خصوص رابطه ی OSP با پویایی اقتصادی در کشورهای دیگر منطقه چیز زیادی نوشته نشده است (Dower, 1999: 540-546; Havens, 1987: 102-104; Nakamura, 1989: 231-232). (Stubbs, 2005: 66-73; 1995: 43-52) علاوه بر این، حتی در گوشه هایی از مقالات کشورهای در حال توسعه به اصطلاح وبر-جدید هم که در آن پژوهشگران توجه خاصی به تأثیرات عمومی هزینه های نظامی بر رشد داشته اند، اهمیت OSP به طور سیستماتیک مورد توجه قرار نگرفته و توجه بیشتر به نقش سیاست های صنعتی بوده است. (eg, Amsden, 1989: 231-232).

در این زمینه، هدف ما جبران این غفلت از OSP در گزارش های "معجزه ی شرق آسیا" است و در انجام این کار به دنبال نشان دادن نارسایی شکاف های منطقه ای، روش های "ملی گرایی" و گزارش های ژئوپولیتیک در کشور در حال توسعه اقتصادی کره جنوبی هستیم. ما نشان می دهیم که OSP - به عنوان مخالف با کمک نظامی عمومی - اهمیت ویژه ای برای رشد صنعتی کره دارد. در انجام این کار، ما همچنین نشان می دهیم که پیش زمینه OSP، پیش زمینه های ژئوپولیتیک و ابعاد طبقه فراملیتی تغییر صنعتی شرق آسیا است.

لنز تحلیلی ما، البته، مربوط به نحوه ای است که ما کشور در حال توسعه کره جنوبی و تکرارپذیری یا مطلوبیت سیاست های آن را مشاهده می کنیم. در میان نخستین رده از کشورهای آسیایی جدید صنعتی (NICs) که در دهه ۱۹۵۰ به سرعت در حال رشد بود، کره جنوبی به عنوان پایه ای برای یک طبقه سرمایه داری ویژه و قدرتمند و بین المللی به کار گرفته شد که این نتیجه مستقیمی از سیاست های کشور در حال توسعه و لحظه ی ژئوپولیتیک بود که این سیاست ها را قابل اجرا ساخت، از جمله حمایت نامحدود ایالات متحده از کشور کره جنوبی در

جنگ سرد. یکی از این حمایت‌ها، یک برنامه گسترده OSP برای شرکت‌های کره جنوبی بود و ما در اینجا به طور ویژه بر نقش OSP در رشد شرکت‌های ساخت کره جنوبی با محوریت هیوندا متمرکز هستیم. همانطور که مشاهده می‌کنیم، اهمیت OSP بر رشد صنایع ساخت و ساز در کره، ما را به سوی پرسش‌هایی در خصوص تکرار پذیری عملکرد صنعتی کره جنوبی در شرایطی که OSP به اندازه کافی در دسترس نیست؛ و توجه به تعداد تلفات در ویتنام که در جنگ با آمریکا بود، می‌برد. ما هم چنین به طور ضمنی، شرایط مطلوب مدل توسعه "آسیای شرقی" را که وابسته به فعالیت MIC ایالات متحده بود، مورد پرسش قرار می‌دهیم.

برای شکل‌گیری استدلال ما، به طور خلاصه با توجه به اینکه چگونه نقش ژئوپلیتیک در تحول صنعتی آسیای شرقی نادیده گرفته شده است، شروع می‌کنیم. در حالی که تعداد بسیار کمی از آثار در کشورهای درحال توسعه شرق آسیا، به ویژه مسابقه جانگ-ین وو برای سویفت (۱۹۹۱)، جزئیات مهمی را ارائه می‌دهند، ما نشان می‌دهیم که دو گزارش کلیدی شکل‌گیری-نمونه و وبر-جدید، اهمیت ژئوپلیتیک و OSP به اقتصاد سیاسی توسعه شرق آسیا را نادیده گرفته‌اند. بنابراین ما استدلال می‌کنیم که نیاز است فراتر از این استدلال‌های متداول کشور در حال توسعه برای روشن کردن اهمیت ژئوپلیتیک برای رشد شرق آسیا برویم و ما این کار را به صورت آزمایشی با قرار دادن پروژه‌های کشور درحال توسعه‌ی کره در چارچوب بزرگتر از مانورهای اقتصادی ژئوپلیتیک جهانی انجام شده توسط بازیگران درون MIC ایالات متحده انجام می‌دهیم. این واقعیت که بازیگران کلیدی کره‌ای با توجه به محدودیت‌های معمول در فرصت‌های قرارداد نظامی، نقش مهمی در این مجموعه ایفا می‌کنند، از اهمیت تاریخی بسیار برخوردار است. این واقعیت که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد و از اهمیت زیادی برای الگوهای تغییر کره جنوبی برخوردار است، از لحاظ نظری و سیاسی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

نظریه‌های کشورهای در حال توسعه وبر-جدید و حاشیه‌های ژئوپلیتیک

با توجه به پیوندی باریک میان استدلال نویسندگان و رویکرد وبر-جدید به دولتهای سرمایه‌داری، نقش می‌تواند مورد سوال قرار گیرد. با این حال، هدف ما این نیست که به طور سیستماتیک به ضعف‌های نظریه‌های وبر و سایر نظریه پردازان در خصوص کشورهای در حال توسعه بپردازیم. به همین ترتیب، ما تصمیم می‌گیریم که نویسندگانی را که در اینجا مورد بحث هستند با یک نام رایج صدا بزنیم و به بیان بخش اندکی از گستره‌ی صحبت‌های

پژوهشگران وبر-جدید در خصوص ساختار و عملکرد اقتصادها و کشورهای آسیای شرقی می پردازیم.

گزارش‌های وبر-جدید از کشورهای در حال توسعه شرق آسیا و نقش آنها در تحول صنعتی شرق آسیا در میان یکی از برجسته‌ترین و تاثیرگذارترین در طول سه دهه گذشته قرار گرفته اند. (eg, Amsden, 1989; Chang 2003; 2008; Evans, 1995; Haggard, 1990; Johnson, 1982; Kim, 1997; Wade, 1990; Woo, 1991; Woo-Cumings, 1999). با این وجود، به استثنای کارهای اولیه‌ی در مورد تحولات کره جنوبی، ما در مقالات وبر-جدید شاهد نادیده گرفتن عمیق و گاهی اوقات سیستماتیک نفوذ کلاس‌های ژئوپولیتیک و فراملیتی خاص در توسعه شرق آسیا هستیم. در حالی که این بی توجهی در چارچوب نظریه وبر می تواند اجتناب ناپذیر نباشد، اما واضح است که ناسیونالیسم روش شناختی و تمرکز دولت مرکزی رویکردهای وبر-جدید در این راستا در حال افزایش است (see, eg, Chibber, 2003). ما این نکته را روشن می سازیم که نشان می دهد چگونه دو نظریه پرداز برجسته وبر-جدید، چالمرز جانسون و آلیس آمسدن، پیامدهای ژئوپولیتیک برای گزارش‌هایشان در مورد کشورهای در حال توسعه را نادیده می گیرند. ما تمرکز بیشتری بر کتاب تازه منتشر شده از جانسون در مورد کشورهای در حال توسعه نمونه، MITI و معجزه ژاپنی (۱۹۸۲) می کنیم.

جانسون به درستی یادآور می شود که عوامل متعددی به طور بالقوه برای موفقیت توسعه ی پس از جنگ جهانی دوم در ژاپن وجود دارد و هر تلاشی برای رد توضیحات دیگر را انکار می کند. (ibid, 8) با این وجود، استدلال‌های او طراحی شده است تا یک مورد برای سیاست های صنعتی به عنوان یک عامل مهم تعیین کننده موفقیت ژاپن باشد. اهمیت نسبتاً کمتری که او به امپریالیسم آمریکا و ژئوپولیتیک در شرق آسیا داده است در روش او در استدلال‌های نظری عمده کتابش نمایان است. جانسون در مورد چهار نوع از آنچه که او رویکرد "چیزی جز سیاست" به پویایی اقتصادی آسیا می نامد، بحث می کند (ibid, 7). این چهار نوع عبارتند از: تجزیه و تحلیل "شخصیت ملی - ارزش‌های اساسی - توافق عام"، تجزیه و تحلیل "هیچ معجزه ای اتفاق نیفتاده است"، تجزیه و تحلیل "ویژگی‌های منحصر به فرد" و تجزیه و تحلیل "آزاد". جانسون علیه هر چهار مورد بالا بحث می کند، اما از آنجایی که رویکرد ما نزدیک به تجزیه و تحلیل آزاد است، ما نقد خود را به رفتار او با این رویکرد محدود می کنیم.

قابل توجه است که، در حالی که جانسون به دفاعیات از سه تحلیل اول اشاره می کند، هیچ اثری را که تحلیل آزاد را تبلیغ کند، ذکر نمی کند. (ibid, 8-17) این همراه با مشکلات مختلفی که در اینجا برای استدلال جانسون مطرح می کنیم، نشان می دهد که او یک مرد پوشالی را می سازد. جانسون می گوید سه راه وجود دارد که در آن ژاپن گفته است که یک سواری رایگان دریافت کرده است: "کمبود هزینه های دفاع، دسترسی آسان به بازار عمده صادرات و انتقال نسبی ارزان تکنولوژی" (ibid, 15). جانسون هر یک از این توضیحات را ناکافی می داند، گرچه تلاش نمی کند اثرات ترکیبی همه آنها را ارزیابی کند. مهمتر از همه، او فهرستی از عواملی را که ممکن است "سواری رایگان" را ایجاد کند، محدود می کند.

به عنوان مهمترین چیزی که او نادیده گرفته است، جانسون در این لیست سهم OSP ارتش آمریکا در رشد صنعتی ژاپن را نادیده گرفته است. حتی در شرایط آماری و کمی، این مشارکت قابل توجه است و جانسون نمی تواند از ذکر آن اجتناب کند. همانطور که او اشاره می کند، تدارکات ایالات متحده به همراه هزینه های نیروهای آمریکایی و وابسته به آنها ۳۷ درصد از کل درآمد های تبادل خارجی ژاپن در ۱۹۵۲/۳ در پایان جنگ کره را به خود اختصاص داده است و در سال ۱۹۵۹/۶۰ نیز ۱۱ درصد بود (ibid, 200). از آنجایی که "معجزه" ژاپن در اوایل دهه ۱۹۶۰ مشهود شد، ممکن است این تفکر به وجود آید که تأثیر بر رشد ژاپن در OSP دهه ۱۹۵۰ و پرداخت ها به نیروهای نظامی می تواند برجسته شود (ibid, 3). در عوض، جانسون این موضوع را نادیده می گیرد و ادعا می کند که ثروت باد آوره OSP، با به چالش کشیدن شرکت های ژاپنی به منظور "تهیه سرمایه لازم برای سرمایه گذاری هرچه سریع تر برای تطبیق با دستوراتی که آمریکایی ها داده بودند، مشکلات عمده مالی بین المللی را ایجاد کرد" (ibid, 200).

تمام پیشرفت سرمایه داری، بدون توجه به میزان موفقیتش، با تضادها و چالش ها همراه است و قطعاً ثروت بادآورده ناشی از قراردادهای تهیه با چالش های بزرگی همراه است. اما نام گذاری این موضوع به عنوان "مشکلات عمده مالی بین المللی" نادیده گرفتن این واقعیت است که این "مشکلات" اکثر کشورهای در حال توسعه بازیگر است که دوست دارند با آن مقابله کنند، در مقایسه با واقعیت بازارهای بین المللی نسبتاً بسته و محدودیت مالیاتی که به طور معمول با آن روبرو هستند. ژاپن تنها با این مشکلات در دهه ۱۹۵۰ مواجه نشد؛ علاوه بر این: زمانی که جنگ ویتنام در طول سالهای ۷۰-۱۹۶۰ تشدید شد، سفارشات نظامی ایالات متحده

از ژاپن سه میلیارد دلار دیگر افزایش یافت که کل خرید را برای دوره ۷۰-۱۹۵۰ به ۱۰ میلیارد دلار رساند، به عبارتی دیگر ۵۰۰ میلیون دلار در سال برای بیست سال. (Schaller, 1985: 296). قراردادهای US OSP یک بازار سرپوشیده و عملاً تضمین شده را فراهم کردند و به شدت آنها یک بازار برای طیف وسیعی از کالاهای صنعتی عرضه می‌کردند که ممکن بود در بازار ژاپنی نسبتاً محدود ۱۹۵۰ سخت به فروش برسد (Schaller, 1985: 288). OSP در نتیجه اجازه‌ی گسترش سریع ظرفیت صنعتی بدون ترس از مشکلات تحقق را داد که به نوبه خود اجازه می‌داد تولید صنعتی ژاپن به سرعت به اقتصاد مقیاس برسد و تبدیل به رقابتی در سطح جهانی شود؛ حتی قبل از آن که مجبور به ورود به بازارهای جهانی بیشتری شوند.

این واقعیت که بسیاری از شرکت‌ها ممکن است قادر به پاسخگویی به تقاضاهای OSP نباشند، به سادگی یکی از غفلت‌های یک بازار سرمایه داری پررونق است. به سختی دلیلی برای غفلت از اهمیت OSP در تحریک رشد اقتصادی سریع است. در واقع، تولیدکنندگان ژاپنی و برنامه ریزان دولتی که به فرصت‌های ایجاد شده توسط رونق تدارکات جنگ کره پاسخ دادند، این کار را نکردند: رئیس شرکت تویوتا موتور، از سیل سفارشات برای محصول جدید کامیون‌های تویوتا به عنوان «نجات تویوتا» نام برد و اظهار تاسف کرد که جنگ در یک کشور دیگر منجر به افزایش فروش شرکت او شده است. فرماندار بانک ژاپن به دستورات نظامی کره به عنوان "کمک الهی" اشاره کرد. (Schaller, 1985: 289)

شایان ذکر است که این نوع قراردادهای تدارکاتی به طرق مختلف به پیشرفت تکنولوژی کمک می‌کند. همانطور که در مورد کره اشاره می‌کنیم، قراردادهای US OSP اغلب خواهان استفاده پیمانکاران از تجهیزاتی هستند که مشخصات آنها توسط آژانس‌هایی مانند آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) و دفتر حسابداری دولتی ایالات متحده ذکر شده است. اغلب این استانداردها به منظور اطمینان از این است که پیمانکار باید از تجهیزات تولیدی شرکت‌های آمریکایی خریداری کند. اما این ممکن است به نوبه خود به شرکت‌های قراردادی اجازه دهد که با هزینه اولیه به مطالعه و کار با فناوری‌های پیشرفته‌تری بپردازند و به این ترتیب ظرفیت خود را برای توسعه این فن‌آوری افزایش دهند. علاوه بر این، در صورتی که پیمانکار مجبور به خرید تجهیزات جدید نباشد، این قرارداد فرصتی برای گسترش و توسعه تکنولوژی تولید خود را در یک زمینه فراهم می‌کند که موجب تشویق اقتصاد مقیاس حیاتی

برای چنین توسعه تکنولوژیکی می شود. بنابراین، دوباره فرآیند OSP به مراتب از آنچه که جانسون به عنوان فرصت های فراهم شده توسط سواری آزاد تعریف کرده است، فراتر می رود. ما همچنین باید این نکته را یادآوری کنیم که از این دیدگاه و ادعای جانسون که شرکت هایی که قراردادهای OSP را دریافت می کنند، چیزی شبیه به یک سواری آزاد دریافت می کنند، طرفداری نمی کنیم. همانطور که نشان خواهیم داد کارکنان چابول که به ساخت و استفاده از فرصت های OSP کمک می کردند، مانور بسیار ژئوپلیتیکی و کار سختی را انجام دادند. اما شناخت این تلاش های مستقل نمی تواند OSP منحرف شده را به پس زمینه بفرستد.

انتخاب های جانسون در این زمینه یک الگوی نظری برای تحقیقات بعدی در مورد کشورهای آسیای شرقی ایجاد کرد، از جمله کار حقیقتا تاثیرگذار آمسدن در کره جنوبی، گول بعدی آسیا (۱۹۸۹). از آنجایی که ما در مورد موضوع کره در زیر بحث خواهیم کرد، ما می توانیم در اینجا اشاره ای خلاصه به راه هایی بکنیم که آمسدن را از داستان ژئوپلیتیک و OSP دور می کند. قرارداد نظامی در بحث او مطرح می شود. به عنوان مثال، آمسدن معتقد است که هیوندای مزایای رشد را از فرآیندهایی مانند یادگیری نحوه ارایه پیشنهاد رقابتی و تکمیل پروژه به مشخصات ارتش ایالات متحده بهره مند می کند و او اهمیت قراردادهای مربوط به جریان نقدی هیوندای را مورد تأیید قرار می دهد و اشاره می کند که بین قراردادهای نظامی سال ۱۹۶۳ و ۱۹۶۶ به میزان ۲۶ درصد از درآمد ساخت هیوندای و ۷۷ درصد از مجموع سود آن حساب شده است. (ibid, 266) با این حال، آمسدن هیچ حسابرسی سیستماتیک از اثرات قرارداد نظامی در توسعه هیوندای را ارائه نمی دهد و او تا حد زیادی اهمیت برای توسعه کره از جریان های مالی تولید شده توسط مشارکت در جنگ ویتنام و بعدتر از مبادلات ایالات متحده در خاورمیانه را کنار می گذارد. به همین ترتیب، اشاره های کوتاه او از این بعد ژئوپلیتیکی توسعه کره به پس زمینه می رود و تبدیل به تنها بخش کوچکی از زمینه کلی که در آن تصمیم گیری کشورهای در حال توسعه رخ داده است، می شود.

در مطالعه تجربی پیش رو، نشان می دهیم که این نادیده گرفتن ابعاد ژئوپلیتیکی توسعه آسیای شرقی و به ویژه داستان OSP، خوش خیم نیست. نه تنها شرکت کره جنوبی در OSP بسیار گسترده بود، بلکه می توان گفت که تأثیر قابل توجهی بر مسیرهای منحصر به فرد توسعه کره داشته است. ما این را با تمرکز بر تأثیرات جنگ ویتنام و فعالیت های بعدی MIC ایالات متحده در خاورمیانه نشان می دهیم که تأثیر زیادی بر صنعت ساخت کره در مشارکت

در این سرمایه گذاری ها را نشان می دهد. از آنجا که تجزیه و تحلیل ما در حال حاضر بخشی از یک پروژه بسیار گسترده تر است که ارزیابی ژئوپلیتیک تحولات صنعتی در سرتاسر شرق و جنوب شرقی آسیا را در بر می گیرد، ما همچنین در مورد روند توسعه ژئوپلیتیک و مانور دیپلماتیک، بحث صنعت ساخت و ساز در کره جنوبی را مطرح می کنیم.

جنگ ویتنام و خیزش کره جنوبی

در میان اولین رده از NIC های آسیا، کره جنوبی پس از جنگ جهانی دوم به عنوان پایه ای برای یک طبقه سرمایه داری بسیار قدرتمند و فراملیتی ظهور کرد و این نتیجه مستقیم سیاست های نظامی کشور در حال توسعه و فرایندهای ژئوپلیتیکی بود که این سیاست ها را قابل اجرا ساخت. بعضی از چابول های مهم مانند سامسونگ که توسط یک صنعتگر کره ای که تجارت خود را تحت استعمار ژاپنی توسعه داد، تاسیس شد، عمدتاً بر پایه روابط احیا شده با پایتخت ژاپن و بازار ایالات متحده رشد کرد. این امر به وسیله لابی های شدید آمریکا و مانور سیاسی مثلثی میان رهبران آمریکا، کره و ژاپن امکان پذیر شده بود که باید بر اپوزوسیون محبوب کره جنوبی برای عادی سازی روابط با ژاپن غلبه می کردند (Chibber, 2003: 324). دیگر چابولها مانند غول کشتی رانی، هانجین، و شرکت عظیم و صنعتی ساخت هیوندای، به طور چشمگیری به عنوان یک نتیجه از OSP آمریکا و فرصتهای سودآوری و پیشرفت تکنولوژیکی که این قراردادها ارائه شده بود، به طور چشمگیری رشد کردند و همچنین فرصتهایی برای فروپاشی حزب کارگر صنعتی که توسط دولت جنگ سرد پدید آمده بود، فراهم شد. (Hart-Landsberg, 1993; Kim and Park, 2007; Koo, 2001; Ogle, 1990). به این ترتیب، یک بخش از طبقه صلح جو پس از جنگ جهانی دوم (cf van der Pijl, 1984) به MIC ایالات متحده و سرمایه داران آن مانند مؤسسات ساختمانی LBJ و Brown & Root متصل شد (Chatterjee, 2009: 23-28; Gardner, 1995: 8-9) - ابتدا به سرمایه داران ژاپنی و سپس سرمایه داران کره جنوبی، مانند چونگ چوو یونگ هیوندای، و همچنین ایالت های در حال توسعه یافته ژاپنی و کره ای. در اینجا، ما برخی از جزئیات این فرایند تشکیل اتحادی را شرح می دهیم همان طور که آن سرمایه کره ای را در MIC ایالات متحده از سال های اولیه مداخله آمریکا در ویتنام وارد کرد.

در ماه مه سال ۱۹۶۴، دولت جانسون یادداشت عملی امنیت ملی شماره ۲۹۸ را منتشر کرد که خواستار بررسی احتمال انتقال مجدد لشکر ایالات متحده از کره به هاوایی شد. این بخشی از بازنگری کلی نظام بود که منجر به انتقال نیروها از جنوب شرقی آسیا و کاهش برنامه ریزی شده در موارد نظامی شد. ایالات متحده به متحدان خود اجازه داد تا از برنامه کمک نظامی خود (MAP) خریداری کنند - این تغییر به عنوان برنامه انتقال MAP شناخته شد. عواقب ناشی از کاهش سطح نیروهای نظامی و انتقال MAP برای رژیم نظامی پارک چونگ هی از بعد مالی بسیار جدی دیده شد. به این ترتیب، پیکر بندی دوباره ارتش و بازنگری هزینه های نظامی، موارد مهم در دیپلماسی آمریکا و کره جنوبی بود.

در این زمینه، رژیم پارک پیشنهادهای را ارائه داد که برای منابع کشور در حال توسعه کره و چائوبول بسیار مهم بود. در سال ۱۹۶۴ کره جنوبی یک بیمارستان سیار جراحی ارتش (بخش MASH) را به ویتنام فرستاد و این در اوایل سال ۱۹۶۵، ۲۴۱۶ سرباز غیر مبارز به آن افزوده شد (Kim, 1990: 233). تعهدات کره برای حمایت از تلاش جنگی ایالات متحده در ویتنام در راستای برنامه «پرچم های بیشتر» دولت جانسون که در آوریل ۱۹۶۴ به عنوان تلاش برای به دست آوردن حمایت بیشتر بین المللی از رژیم حمایت شده از سوی آمریکا در سایگون راه اندازی شده بود، آغاز شد (Hatcher, 1990: 57-58; Kahin, 1987: 332; Yi, 2000: 156). با این برنامه که هرگونه تعهد بیشتر ایالات متحده به متحدان خود در جنوب شرقی آسیا را از بین می برد، پارک با ارائه پیشنهاد برای ارسال یک واحد رزمی به ویتنام، خود را برای دولت LBJ ارزشمند تر نشان داد. سفارت ایالات متحده آمریکا، سخنان پیش پا افتاده در مورد بهره ایالات متحده که توسط نخست وزیر سابق کیم هیون چول گفته شده بود را رد کرد و دین روسک، وزیر امور خارجه ایالات متحده، اساسا پیشنهاد رسمی پارک را رد کرد- در میان دلایل دیگر- و اشاره کرد که ایالات متحده هنوز مجبور است که نیروهای رزمی خود را بفرستد اما پیشنهاد می کند که پرسنل نیروهای ویژه کره ای بتوانند نقش مشاوره ها و مربیان را بازی کنند. با این وجود، حرکت پارک، واکنشی را در واشنگتن ایجاد کرد زیرا آن چیزی را که به دولت ایالات متحده در جنگ سرد ارائه می داد چیزی نبود که توسط ژاپن یا متحدان آمریکا در جنوب شرقی آسیا ارائه می شد. (Kim, 1990: 249-255; Yi, 2000: 156-157)

تا سال ۱۹۶۵، برنامه ریزان ایالات متحده به طور جدی شروع به استفاده از نیروهای خارجی در ویتنام کردند. مشاور امنیت ملی مک گوربور باندی، هنگامی که پارک در سال

۱۹۶۵ از واشنگتن دیدن کرد، استفاده از نیروهای زمینی از استرالیا، فیلیپین، کره جنوبی، تایلند و احتمالاً پاکستان را به رهبران نظامی ایالات متحده پیشنهاد داد. (Gardner, 1995: 182). پس از تعهد LBJ در آوریل ۱۹۶۵ در خصوص نیروهای زمینی ایالات متحده، دولت او یک نشست در ژوئن را بین رهبران نظامی آمریکا و کره برگزار کرد که منجر به درخواست رسمی برای حمایت کره از دولت ویتنام جنوبی و در نهایت رای دادن به تعهدات نیروهای کره ای توسط مجلس کره جنوبی در ماه اوت شد (Kim, 1990: 249; Yi, 2000: 154-157). در این فرآیند، پارک صرفاً خدمات سربازان کره ای را در ویتنام ارائه نداد و مذاکره برای به دست آوردن سطوح پرداخت برای سربازان متقاضی را انجام داد که بیست و دو مرتبه پرداخت منظم بود. (Kahin, 1987: 335; see also Kim, 1970). این به نیروهای کره ای امکان می داد تا دلار آمریکا را به کره بفرستند و برخی از زیان های اقتصادی ناشی از خروج نیروهای آمریکایی از کره جنوبی را جبران می کرد. (Yi, 2000: 159-161).

در همان زمان که واحدهای رزمی کره جنوبی برای خدمات در ویتنام آماده بودند، دولت پارک با موفقیت برای از بین بردن انتقال MAP مبارزه کرد و در اوایل سال ۱۹۶۵ نیز راه دیگری برای کره جنوبی برای شرکت در جنگ ویتنام و کسب درآمد شروع شد. در ماه ژانویه سفیر پارک در ایالات متحده با باندی دیدار کرد و از ارتش آمریکا خواست که مواد ساختمانی مانند سیمان را از کره جنوبی خریداری کند. در ماه مه، سفیر ایالات متحده در کره جنوبی به وزارت امور خارجه تلگراف زد و اشاره کرد که نمایندگان کره همچنین خواهان فرصتی برای ارائه خدمات به ارتش آمریکا در ویتنام هستند. پارک و دیگر کره ای ها از اهمیت OSP در رشد سریع ژاپن در دهه ۱۹۵۰ به خوبی آگاهی داشتند؛ نتیجه ای که ناشی از آن بود که ژاپن، استعمار سابق، از غنیمت های پس از استعمار در جنگ کره استفاده کرده بود. در این مورد، ادامه ی روند پاک سازی دلارهای آمریکایی برای OSP جنگ ویتنام توسط شرکت های ژاپنی، پارک و مشاورانش را بیشتر خشمگین می کرد. با این حال، مشکل شرکت های کره جنوبی این بود که در دهه ۱۹۶۰ تعداد کمی از آنها در برابر شرکت های ژاپنی، که اکثر قراردادهای نظامی ایالات متحده را در اختیار دارند، توان بردن یک مزایده رقابتی را داشتند. پارک چنین درخواست خاصی را مطرح کرد: او خواست که ارتش آمریکا به شرکت های کره اجازه دهد فرصت هایی را برای به دست آوردن قراردادهای OSP در شرایط محدود یا بدون رقابت، به خصوص از شرکت های ژاپنی تضمین کند.

پذیرش این درخواست و راه‌هایی که با پیشنهاد یک گردان جنگی برای ویتنام هماهنگ شده بود، باعث می‌شود که مطالعه آموزنده در بین‌المللی شدن کشور و همکاری عمیق امور نظامی و اقتصادی صورت گیرد. درخواست پارک کاملاً جدید نبود و تنها از کره نشأت نمی‌گرفت. به عنوان مثال، در سال ۱۹۶۲، ژنرال جیمز ون فلت، یکی از حامیان حقیقی رژیم پارک، برای انتقال برخی از تدارکات ارتش آمریکا در خاک ژاپن به کره جنوبی بحث‌هایی را انجام داد. این انتقال شامل کامیون‌هایی می‌شد که قطعاتش جداگانه از ژاپن خریداری می‌شد و در کره جنوبی با تایر و باتری‌های کره‌ای مونتاژ می‌شد. مردم کره جنوبی به وضوح از حمایت‌هایی که ممکن بود در میان برخی از برنامه‌ریزان آمریکا برای افزایش OSP در کره جنوبی صورت گیرد، آگاه بودند و تا سال ۱۹۶۵ آنها یکی دیگر از متحدان مهم در آمریکا، سفیر وینتروپ براون را پیدا کردند. براون در نهایت به پارک کمک کرد تا یک سری از توافقنامه‌هایی که موجب ثروت باد آورده برای دولت کره و شرکت‌های کره‌ای بود را به پیش برود (Kim, 1970: 529; Yi, 2000: 163).

براون در ۱۰ ژوئیه ۱۹۶۵ در تلگرافی به وزارت امور خارجه اشاره کرد که درخواست پارک برای فرصت‌های ویژه خرید نمی‌تواند اعطا شود. اما در این زمان، رژیم پارک هر دو معاهده حمایت‌شده از سوی ایالات متحده برای عادی‌سازی روابط با ژاپن و تصویب نیروهای رزمی برای ویتنام از طریق مجلس را به پیش برد. در حالی که مخالفان سیاسی او از جمله اعضای پارلمان در مخالفت با سیاست‌های او دست به اعتراض زده بودند، اما این معاهده در اوایل ماه اوت و تنها با حضور حزب پارک در مجلس تصویب شد. (Kim, 1990: 247-248, 278)

هیوندای، شرکت ساخت و ساز کره‌ای و سود حاصل از جنگ

داستان توسعه هیوندای در زمینه جنگ سرد، اثرات OSP را در تغییرات صنعتی کره نشان می‌دهد. بنیانگذار هیوندای، چونگ چوو یونگ، بعد از آزادی از ژاپن در سال ۱۹۴۶ این شرکت را تاسیس کرد و برخی از بزرگترین فرصت‌های او هنگامی رخ داد که شرکتش قراردادهایی را برای تحویل کالاها به ارتش آمریکا طی جنگ کره جنوبی دریافت کرد (Cumings, 2005: 1197, 1207; Hyundai, 1982: 302). هیوندای قراردادی را در این مدت برای ساخت سربازخانه ارتش ایالات متحده و گسترش فرودگاه ملی دریافت کرد. هم سود و هم تجربه‌ای که هیوندای از این به دست آورد، از جمله ارتقاء مهارت‌های مهندسی آن تحت نظارت مهندسان

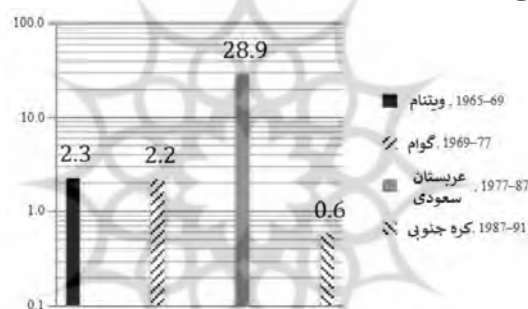
ارتش ایالات متحده، به گسترش عملیات ساخت و ساز خود و تبدیل شدن به بزرگترین شرکت ساخت و ساز صنایع سنگین در کره جنوبی منجر شد (Jones and Sakong, 1980: 356-357). با این حال، در دهه ی ۱۹۵۰، هیوندای عمدتاً یک چابول داخلی بود و پروژه هایی درون خاک کره انجام می داد. در دهه ۱۹۶۰، به سرعت تبدیل به یک شرکت بین المللی و یکی از شناخته شده ترین شرکت های ساخت و ساز و صنایع سنگین در جهان شد. این اتفاق به طور مستقیم به رابطه هیوندای با ارتش آمریکا مرتبط است. چونگ در حال توسعه روابط خوبی در طول جنگ کره بود. در سال ۱۹۶۰، در حالی که ایالات متحده در حال گسترش نیروهای نظامی خود در جنوب شرقی آسیا بود؛ چونگ توانست قراردادهایی برای بانک جهانی و پروژه های نظامی آمریکا در تایلند، ویتنام و گوام را به دست گیرد. تجربه و سرمایه انباشته از طریق این پروژه، هیوندای را قادر ساخت تا پروژه های زیربنایی بزرگ را در کره جنوبی در طول همین دهه بر عهده گیرد و در دهه ۱۹۷۰، اقدامات خود را گسترش داده و به انجام پروژه های ساختمانی بزرگ در خاورمیانه پرداخت. (Hyundai, 1982: 1207-1209; Jones and Sakong, 1980: 357-358). فراتر از این ها، در دهه ۱۹۷۰، هیوندای فعالیت های خود را به ساخت کشتی گسترش داد. زمینه ای که در آن تجربه قبلی نداشته و با تشویق پارک چونگ هی پا به این عرصه گذاشت و مشهور شد. (Cumings, 2005: 323-324; Jones and Sakong, 1980: 357-358).

اگرچه این حمایت و اظهارنظر از سوی دولت کره بسیار مهم بود؛ نقش دولت نظامی و جنگ سرد در ایالات متحده به ویژه در توسعه های هیوندای بسیار چشمگیر است. گزارش آمسدن، همانطور که اشاره شد، بر تأمین اولیه مالی هیوندای توسط قراردادهای بزرگ OSP ایالات متحده تأکید دارد. اما نقش ارتش ایالات متحده بسیار بیشتر از این مقدار بود، همان طور که می توان با تجزیه و تحلیل فصل های مختلف تاریخ هیوندای به بسیاری از آنها پی برد. اولین آنها ساخت و ساز بزرگراه پاتانی- ناراسیوات در جنوب تایلند در سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ بود.

پروژه بزرگراه پاتانی - ناتاتیوات به گسترش حضور نظامی ایالات متحده در تایلند به عنوان بخشی از تلاش جنگی ویتنام مرتبط بود. (Jones and Sakong, 1980: 357) تاریخچه قراردادهای ساخت و ساز هیوندای از دوران جنگ ویتنام به جلو، بیشتر ارزش بازتاب را دارد. همانطور که شکل ۱ روشن می کند، یکی از ویژگی های برجسته این تاریخ این است که

قراردادهای OSP به طور مداوم برای شرکت و با افزایش ارزش دلار در طول تمام دوره از سال ۱۹۶۵ تا دهه ۱۹۸۰ قابل دسترسی است (Hyundai, 1982: 1197).

همانطور که قراردادهای جنگ ویتنام سست شد، هیوندای قراردادهای جدیدی را برای کار در گوام دریافت کرد و به این ترتیب رونق قراردادهای خاورمیانه (که از طریق عربستان سعودی به طور رسمی ثبت می‌شود)، سفارشات خرید را حتی بالاتر می‌برد و حتی با کاهش قراردادهای سعودی، تعدادی از قراردادهای OSP برای کار در کره جنوبی شکاف را تا حدی پر کرد. البته در اواخر دهه ۱۹۸۰، هیوندای شرکتی بسیار متفاوت از اوایل دهه ۱۹۶۰ بود و وابستگی آن به OSP به طور چشمگیری کاهش یافت. اما این بلوغ صنعتی در طی یک دوره چهل ساله به تکامل رسید (با احتساب قراردادهای دهه ۱۹۵۰) که در آن شرکت به طور مداوم توسط دستورات ارتش آمریکا حمایت می‌شد.



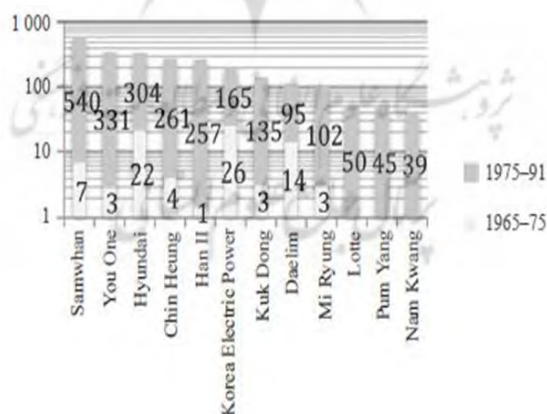
شکل ۱: ارزش میانگین سالانه قراردادهای osp (قراردادهای دریایی) هیوندای که توسط سایت اصلی و سال‌ها مشخص شده است (ثابت ۱۹۶۶ میلیون دلار)

هیوندای بدون شک یکی از موارد برتر این نوع از تغییر در OSP در کره جنوبی است، اما به ندرت منحصر به فرد است به عنوان مثال، شرکت‌هایی مانند شرکت ساختمانی بزرگ، اما بیشتر داخلی، Daelim تجربه بسیار شبیه به Hyundai تجربه، به جز عدم وجود فرصت‌های OSP در گوام (که هیوندای تنها پیمانکار کره ای بود). در واقع، همانطور که در شکل ۲ نشان داده شده است، هیوندای حتی شرکت ساختمانی کره جنوبی نبود که در قراردادهای OSP در طول دوره ۱۹۶۵-۹۱ بیشترین سود را داشته باشد. علاوه بر این، همانطور که در شکل ۳ نشان داده شده است، ارزش نشان داده شده توسط این قرارداد قابل توجه بود؛ ارزش کل قراردادهای ساخت و ساز نظامی ایالات متحده توسط شرکت‌های کره جنوبی، بدون در نظر گرفتن قراردادهای خصوصی یا قراردادهای نامعمول قرارداد با شرکت‌هایی مانند RMK-BRJ، می‌تواند به صورت

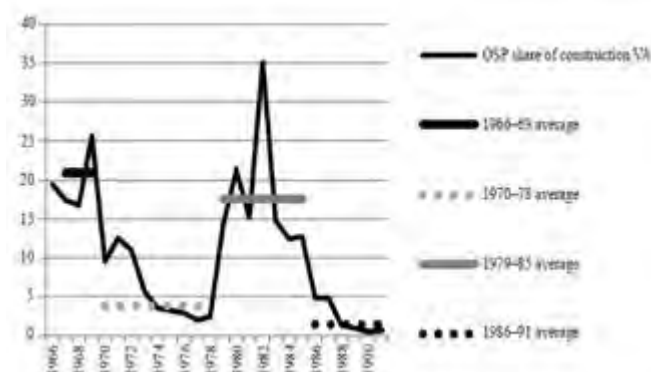
محافظة کارانه تخمین زده شود تا حداکثر ۲۵ درصد ارزش افزوده در صنعت ساخت و ساز در دوران جنگ ویتنام (به طور متوسط ۲۱٪) و ۳۵٪ در دوره عربستان سعودی (به طور متوسط ۱۸٪).

علاوه بر این، این ارقام درآمد حاصل از تعداد زیادی پروژه های ساختمانی خصوصی در مکان هایی مانند خاورمیانه را شامل نمی شود، قراردادهایی که اساسا توسط اقتصاد ژئوپولتیک از خرید نظامی و حرکت شرکت های کره به مناطقی که ارتش آمریکا حضور فعال دارد شامل می شود. برای قرار دادن این ارقام در تسریع بیشتر، تولید ساخت و ساز به ۹٫۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کره جنوبی در سال ۱۹۷۹ و ۱۱٫۳ درصد در سال ۱۹۹۰، بالاترین سهم برای هر کشور OECD در طول سال گذشته رسید. در جیمز کیم یادآور می شود که ساخت و ساز در خارج از کشور بین ۷٫۵ تا ۱۱٫۵ درصد کل تولید ناخالص داخلی کره جنوبی طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۸۱ بوده است و منبع اصلی تجمع چیبول در این دوره بود.

هنگامی که یک نفر اضافه می کند که صنعت ساخت و ساز شناخته شده است ارتباطات تاریخی قوی با رشد تولید است و نشان داده شده است که ساخت و ساز در بخش ساخت و ساز در کره جنوبی پیوست های ویژه به عقب به طیف وسیعی از صنایع دیگر، اهمیت تاریخ قرارداد ساخت و ساز است که این رشد را روشن می کند. در واقع، به نظر می رسد که کلیدی برای درک اینکه چرا پویا رشد کره جنوبی منجر به آن شده است که بعضی پارک ها و دیگران به عنوان یک «دولت ساخت و ساز» (پارک ۲۰۱۱) منجر شده است.



شکل ۲: osp (تدارکات دریایی) شرکت های ساختمانی کره ای (ثابت ۱۹۶۶ میلیون دلار)



شکل ۳: ساخت و ساز و مهندسی کره ای asp (تهیه دریایی) به عنوان سهم ارزش افزوده ساختمانی (VA)

ما در اینجا یک سوسیال سکيوریتی را برجسته می کنیم که بیش از آنچه که در ادبیات نیوبرین شرح داده شده است بیش از حد است. آنچه ما می گوئیم این است که دولت ایالات متحده در جنگ سرد، صرفاً به صورت غیرمستقیم آنچه را که می تواند به عنوان شرایط پیش زمینه فعال برای فعالیت دولت توسعه کره ای در نظر بگیرد، ارائه نمی دهد؛ در مورد Hyundai و دیگر شرکت های ساختمانی کره ای، به طور قانونی وارد توسعه ظرفیت صنعتی شرکت ها شد، در حالی که تا آنجا که شرکت ها را در موارد خاص نظارت می داد، به طور فعال یکی از نقش هایی را که اغلب به یک دولت توسعه یافته. به عبارت دیگر، ژئوپولیتیک و اقتصاد سیاسی عمیقاً در فرایندهای فراملی طبقه و فرایندهای مرتبط با طبقه، که توسط چابول کره به MIC ایالات متحده منتقل شد، متصل شدند (Havens, 1987: 102-106). ما اهمیت کلی OSP را به اقتصاد کره ارائه می دهیم و در نتیجه حس کلی اهمیت مسائل اقتصادی جغرافیای سیاسی را که در تحلیل های ۴ و ۵ به آن پرداخته شده است، ارائه می دهیم. شکل ۴ نشان می دهد که سطح کلی کمک OSP دریافت شده توسط متحدان اصلی جنگ ویتنام آمریکا، کره جنوبی، تایلند و فیلیپین، در حالی که شکل ۵ نشان می دهد که OSP ترکیب و مقدار نقشه به عنوان یک سهم از تشکیل سرمایه ناخالص در هر اقتصاد است. (Park 2011).

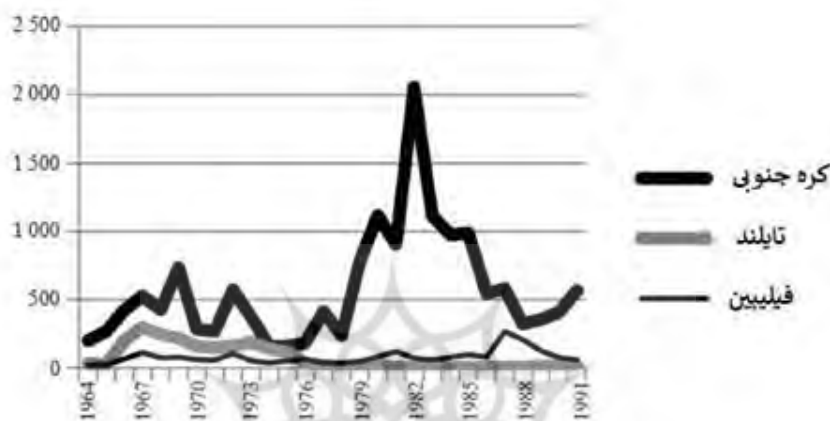
ارقام هر دو OSP و MAP از یک پایگاه داده آرشيو ملی ایالات متحده است که لیست قراردادهای جنگ ویتنام و دیگر قراردادهای اصلی را می دهد. این مجموعه داده شامل تمام قراردادهای نیست. در عین حال تعدادی از شرکت هایی که در زیر فهرست کشورهای OSP ذکر شده، شرکت هایی با نام های آمریکای شمالی هستند که به این معنی است که آنها شاخه های

شرکت های مبتنی بر ایالات متحده هستند که قراردادهایی را برای کار در خارج از کشور دریافت می کنند (هرچند در مورد جنوب کشور کره). مشکل اولیه می تواند به ارقام نادیده انگاشته شود، در حالی که این می تواند منجر به برآورد هزینه شود، گرچه بیشتر برای تایلند و فیلیپین نسبت به کره جنوبی. با در نظر گرفتن تعداد زیادی از قراردادهای غیر قراردادی غیرقانونی، کم توجهی مشکل اساسی است، اما در هر صورت ما مقادیر و گرایش های عمومی را که دقیقاً مشخص شده اند را می گیریم و ما توجه می کنیم که آنها در مقایسه با برخی از ارقام نسبتاً راحت هستند در مورد اهمیت کمک اقتصادی و نظامی ایالات متحده به کره جنوبی که توسط وو نقل شده استبدیهی است، با OSP و MAP که در مجموع در مجموع ۴۰ تا ۶۰ درصد از کل سرمایه گذاری ناخالص کره جنوبی در اواخر دهه ۱۹۶۰ بود، اهمیت آنها برای راندمان تولید کره صنعتی بسیار زیاد بود. (Glassman, 2004; Hewison, 1989) ما می خواهیم تاکید کنیم، اما دو مورد کیفی که در داده های کمی تعبیه شده اند. اولاً، همان طور که نشان داده شد، OSP اهمیتی دارد که فراتر از حجم سرمایه ای است که به اقتصاد وارد می کند، هرچند حجم به هیچ وجه بی اهمیت نیست. OSP یک فرصت یارانه مستقیم و یک فرصت برای محافظت از بازار را برای شرکت های صنعتی خاص فراهم می کند، بنابراین به روش های ملموس برای فرایندهای یادگیری، توسعه مهارت های مهندسی و ارتقای فن آوری کمک می کند که نگرانی اصلی دولت های توسعه یافته و نظریه پردازان آنهاست. به همین ترتیب، ما فکر می کنیم که شرکت های کره ای از دوره های دوران جنگ سرد، OSP، باید در میان شرایط حیاتی برای موفقیت چابول کره ای و دولت توسعه اقتصادی کره شمارش شوند. دوم، و مربوط به نقطه اول، ما مقدار OSP و MAP کره ای را در مقایسه با ارقام برای تایلند و فیلیپین به منظور نشان دادن نظر گسترده تر در مورد اقتصاد منطقه ای و دولت توسعه کره جنوبی نشان داده شده است. ما بر ابعاد فرامرزی پویایی کره تاکید کرده ایم، و در شکل ۴ و ۵ آنچه که ما نشان می دهیم این است که این پویایی بخشی از روند فرایند سلسله مراتبی است که در آن همه بازیکنان درون اتحاد جنگ سرد برابر نیستند. دولت سرد جنگ ایالات متحده به وضوح بازیکن غالب بود، هرچند که نمی توانست به راحتی به رژیم هایی مانند پارک اعطا کند. نخبگان ژاپنی نقش فرماندهی منطقه ای خاموش را ایفا کردند، و در واقع، سهم بسیار بیشتری از OSP را نسبت به کره به دست آوردند، گرچه این به دلیل حجم بسیار بالاتری در اواخر دهه ۱۹۶۰ به اقتصاد کلی ژاپن اهمیت داشت. (Hyundai, 1997: 469-472). در میان متحدان آسیایی که

نیروهای نظامی ایالات متحده را به تلاش جنگی امریکا اعزام کردند، نخبگان کره جنوبی بیشترین سود را کسب کردند. شرکت های صنعتی کره ای مقدار بسیار بالایی از OSP را دریافت می کنند - حتی پس از جنگ ویتنام، هر دو به اهمیت آن ها به عنوان متحدان منطقه ای در دهه ۱۹۶۰ بازمی گردند و به دهه ۱۹۸۰ باعث افزایش موقعیت منطقه خود شدند. حتی اگر شرکت هایی مانند Hyundai در اوایل دهه ۱۹۶۰ بازیکنان نسبتا کوچک بودند، آنها بهتر از هر شرکت صنعتی در تایلند، جایی که اقتصاد به شدت تحت سلطه سرمایه گذاران سینمای تایلند، تجارت کشاورزی و بانکداران بود، بیشتر مرتبط بود. (Bello et al, 2004). این تفاوت ها به وضوح توسط جنگ ویتنام و OSP تقویت شد: در حالی که شرکت های ساخت و ساز کره ای در مقدار زیادی از OSP مشغول شدند و شروع به خود را به عنوان بازیکنان منطقه ای قدرتمند تسلط، تایلند به دست آورد کمک های اقتصادی و نظامی است که باعث رشد سریع اقتصادی، اما بدون مشابه تغییر دینامیک صنعتی. مطالعه Naya نشان می دهد که چگونه اقتصاد ویتنام جنگ را به تقویت این الگوی دیفرانسیل کمک کرد: ۷۵ درصد ارزش صادرات تایلند به ویتنام از برنج بود، در حالی که برای کره جنوبی اکثر کالاهای صادراتی، از جمله بسیاری از محصولات صنعتی جدید، با ویتنام جذب ۹۴ درصد صادرات محصولات فولاد در کره جنوبی و ۵۲ درصد صادرات تجهیزات حمل و نقل. عواقب این نوع از مسیرهای توسعه دیفرانسیل امروزه بیشترین نظرسنجی را آشکار می سازد: در حالی که شرکت های سامسونگ، هیوندای، ال جی و هانجین فقط نام تجاری کره ای نیستند اما نام های تجاری جهانی، شرکت های صنعتی تایلندی قابل مقایسه نیستند.

مورد فیلیپین کمی متفاوت است. در دهه ۱۹۵۰، فیلیپین یکی از کشورهای صنعتی توسعه یافته در آسیای جنوب شرقی بود و حداقل در موقعیت اقتصادی کره جنوبی قرار داشت. (Havens, 1987: 102-106). مطالعه Naya نشان می دهد که حتی در اواخر دهه ۱۹۶۰، گرچه صادرات آن محدود بود، اکثر صادرات فیلیپین به ویتنام کالاهای تولیدی بود. فیلیپین "تاریخ شفاهی شانزدهم موضوعی است که ما نمیتوانیم در اینجا تجدید نظر کنیم، اما ما یک بعد مهم را که مربوط به مطالعه موردی ما است را ذکر میکنیم. در سال ۱۹۶۶، با بررسی فرصت های OSP که به وسیله جنگ ویتنام به کره جنوبی باز شد، رژیم مارکوس که نیروهای غیرمولدی و مهندسين را به ویتنام عرضه می کرد، از دولت LBJ برای فرصت های خرید ویژه درخواست کرد. شرکت های فیلیپین با برخی از ظرفیت های لازم، به ویژه در ساخت

و ساز بودند. اما تحلیلگران سیا و سایر سیاستگذاران ایالات متحده در مورد مسائلی چون اعتماد فیلیپین به عنوان یک متحد مارکوس که در انتخاب حزب ناسیونالیستی با جناح رادیکال که به آنها اعتماد ندارند، نگرانی داشت و تمایل رهبری به برقراری روابط با ژاپن را نگران کرد. (Glassman, 2004; Hewison, 1989).



شکل ۴: ارزش ترکیبی osp (تدارک دریایی) و برنامه کمک نظامی (در حال حاضر میلیون دلار)

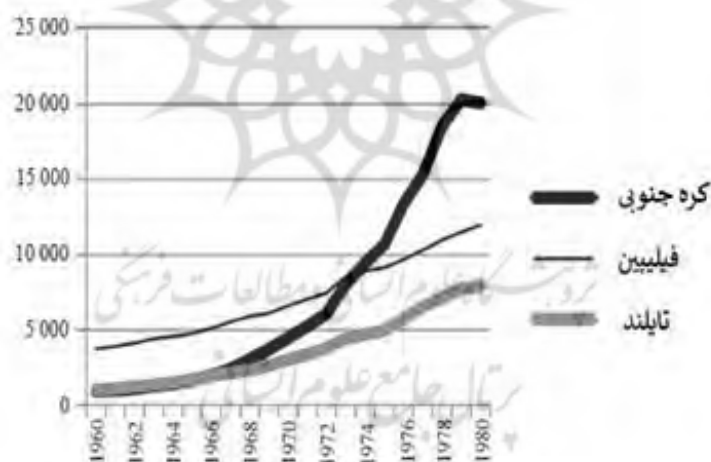


شکل ۵: osp (تدارک دریایی) و برنامه کمک نظامی به عنوان سهم از تشکیل سرمایه ناخالص

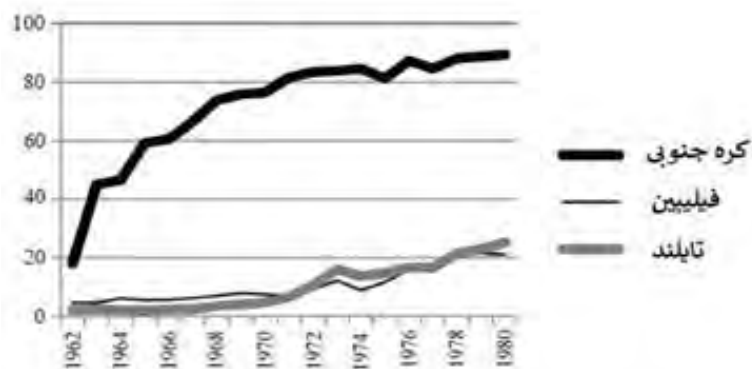
علاوه بر این، مارکوس، اگر چه تعاونی با تلاش نظامی ایالات متحده، متحد منطقه‌ای ایالات متحده بود که اغلب پیشنهاد کرد که کمپین بمبگذاری در ویتنام را مختل کند و حتی درخواست‌هایی را برای فرستادن نیروهای رزمی فیلیپین به ویتنام به دلیل ترس از واکنش داخلی اعلام کرد.

در این زمینه از عدم اعتقاد جزئی، دولت جانسون به درخواست مارکوس برای فرصت های ویژه ای در قالب تمسخر آمیز پاسخ داد که ممکن است از استاد استعمار سابق انتظار داشته باشید: ایالات متحده یک دفتر در مانیل ایجاد کرد تا شرکت های فیلیپین بتوانند اطلاعات در مورد فرصت های OSP را تسهیل کنند، اما انتظار می رفت که هیچ گونه کمک ویژه ای وجود نداشته باشد. همانطور که داده ها در ارقام ۴ و ۵ روشن است، فیلیپین در واقع فرصت های قابل توجهی برای OSP نداشت و بنابراین حتی جریان سرمایه ای که از کمک های اقتصادی و نظامی ایالات متحده دریافت کرده بود، چیزی برای جلوگیری از فرود آن به دست گرفتن آنچه به عنوان "دولت ضد توسعه" نامگذاری شده است.

همان طور که در شکل ۶ و ۷ نشان داده شده است، کره جنوبی، به طور موثر استفاده از OSP خود را به سرعت، بیش از فیلیپین در تولید و صادرات تولید شده است. به طور خلاصه، دولت موفقیت آمیز کشورهای توسعه یافته شرق آسیا، پدیده ای منحصر به فرد از لحاظ جغرافیایی و تاریخی بوده است و حتی در طول دوره اصلی موفقیت آن، حتی در سراسر منطقه تکرار نشد.



شکل ۶: ارزش افزوده تولید (ثابت ۲۰۰۰ میلیون دلار)



شکل ۷: سهم تولیدکنندگان از صادرات کالا

نتیجه گیری

ما استدلال کرده ایم که رشد دینامیکی و تغییر صنعتی در اقتصاد کره جنوبی و به ویژه شرکت های ساختمانی مهم آن نه تنها به اقدامات دولت در حال توسعه کره ای بستگی دارد، بلکه به اثرات اقتصاد ژئوپولیتیک جنگ سرد که دسترسی به تکنولوژی و فرصت های آموزشی مهندسی برای پیمانکاران کره جنوبی در شرایط غیرقابل پیش بینی را فراهم ساخت، بستگی دارد. در این گفتار، ما نه نقش بسیار فعال دولت کره جنوبی در این پروسه و نه تلاش های موفق شرکت های کره جنوبی و کارگران آنها برای استفاده از فرصت ها را انکار می کنیم. بلکه ما بر فرایندهای حیاتی تأکید می کنیم که این تلاش ها را انجام می دهد که عمدتاً در بسیاری از گزارش های وبر جدید، به ویژه نقش OSP و القاء شرکت های کره جنوبی به MIC ایالات متحده، از دست رفته یا کم اهمیت است. در انجام این کار، ما سعی کرده ایم تا از لحاظ مفهومی و روش شناختی نشان دهیم که تجزیه و تحلیل عملکرد اقتصادی کشورهایی مانند کره جنوبی از منظر ژئوپولیتیک تا مسائل مربوط به کلاس های فراملیتی بی فایده است. تجزیه و تحلیل استاتیکی از روشهایی که سیاستهای بازار را هدایت می کنند، بر اساس استدلال های نئولیبرالی در این زمینه برترند، اما آنها به اندازه کافی پیش نمی روند. توسعه اقتصادی در شرق و جنوب شرقی آسیا با همان قدرت طبقاتی و خشونت های نظامی مخرب که با گذشت قرن ها همراه با تحولات صنعتی سرمایه داری در سایر نقاط جهان همراه است، مورد هدف قرار گرفته است

تجزیه و تحلیل اقتصادی ژئوپلیتیک توسعه آسیای شرقی که ثبت نام کشورهای آسیایی را در MIC ایالات متحده محور تحول صنعتی می کند، یک اصلاح کننده مهم برای این عدم وجود جنگ از داستان صنعتی شدن شرق آسیا است. به همین ترتیب، آن را نیز به پیشنهادات سیاسی ضد انسداد برای ایجاد دولت های توسعه ای که اغلب از چنین سکون ژئوپلیتیک پیروی می کنند، اصلاح می کند.



فهرست منابع

الف) منابع انگلیسی

- Amsden A H (1989). *Asia's Next Giant: South Korea and Late Industrialization* (Oxford University Press, New York)
- Baldwin F (1975). "America's rented troops: South Koreans in Vietnam" *Bulletin of Concerned Asian Scholars* 7(4) 33-40.
- Bello W, Docena H, Guzman M, Malign M (2004). *The Anti-developmental State: The Political Economy of Permanent Crisis in the Philippines (Focus on the Global South, Manila)*.
- Bernard M, Ravenhill J (1995). "Beyond product cycles and flying geese: regionalization, hierarchy, and the industrialization of East Asia" *World Politics* 47(2) 171-209.
- Block F (2008). "Swimming against the current: the rise of a hidden developmental state in the United States" *Politics and Society* 36 169-206
- Bon R, Pietroforte R (1990). "Historical comparison of construction sectors in the United States, Japan, Italy, and Finland using input-output tables" *Construction Management and Economics* 8 233-247
- Carter J M (2008). *Inventing Vietnam: The United States and State-building, 1954-1968* (Cambridge University Press, Cambridge)
- Chang H-J (2003). *Globalisation, Economic Development, and the Role of the State* (Third World Network, Penang and Zed Books, London)
- Chang H-J (2008). *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism* (Bloomsbury Press, New York)
- Chatterjee P (2009). *Halliburton's Army: How a Well-connected Texas Oil Company Revolutionized the Way America Makes War* (Nation Books, New York)
- Chibber V (2003). *Locked in Place: State-building and Late Industrialization in India* (Princeton University Press, Princeton, NJ)
- Cumings B (1984). "The origins and development of the Northeast Asian political economy: industrial sectors, product cycles, and political consequences" *International Organization* 38(1) 1-40
- Cumings B (2005). *Korea's Place in the Sun: A Modern History* (Norton, New York)
- Cumings B (2010). *Dominion from Sea to Sea: Pacific Ascendancy and American Power* (Yale University Press, New Haven, CT)
- Doner R (2009). *Politics of Uneven Development: Thailand's Economic Growth in Comparative Perspective* (Cambridge University Press, Cambridge)
- Dower J (1999). *Embracing Defeat: Japan in the Wake of World War II* (New Press, New York)

- Evans P (1995). *Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation* (Princeton University Press, Princeton, NJ)
- Field B, Ofori G (1988). "Construction and economic development: a case study" *Third World Planning Review* 10(1) 41–50
- Gardner L (1995). *Pay any Price: Lyndon Johnson and the Wars for Vietnam* (Ivan Dee, Chicago, IL)
- Glassman J (2004). *Thailand at the Margins: Internationalization of the State and the Transformation of Labour* (Oxford University Press, Oxford)
- Haggard S (1990). *Pathways from the Periphery: The Politics of Growth in the Newly Industrializing Countries* (Cornell University Press, Ithaca, NY)
- Hart-Landsberg M (1993). *The Rush to Development: Economic Change and Political Struggle in South Korea* (Monthly Review Press, New York)
- Hart-Landsberg M, Burkett P (1998). "Contradictions of capitalist industrialization in East Asia: a critique of 'flying geese' theories of development" *Economic Geography* 74(2) 87–110.
- Hatcher P L (1990). *The Suicide of an Elite: American Internationalists and Vietnam* (Stanford University Press, Stanford, CA).
- Havens T R H (1987). *Fire Across the Sea: The Vietnam War and Japan, 1965–1975* (Princeton University Press, Princeton, NJ).
- Hewison K (1989). *Bankers and Bureaucrats: Capital and the Role of the State in Thailand* (Yale University Southeast Asia Studies, New Haven, CT).
- Hyundai (1982). *35th Anniversary History of Hyundai Corporation Volume II* Hyundai Construction Company, Seoul.
- Hyundai (1997). *50th Anniversary History of Hyundai Corporation Volume I* Hyundai Construction Company, Seoul.
- Johnson C (1982). *MITI and the Japanese Miracle: The Growth of Industrial Policy, 1925–1975* (Stanford University Press, Stanford, CA).
- Jones L P, Sakong I (1980). *Government, Business, and Entrepreneurship in Economic Development: The Korean Case* (Harvard University Press, Cambridge, MA) The chaebol and the US military–industrial complex 1179.
- Kahin G (1987). *1987 Intervention: How America Became Involved in Vietnam* (Anchor Press/Doubleday, Garden City, New York).
- Kim E-M (1997). *Big Business, Strong State: Collusion and Conflict in South Korean Development, 1960–1990* (State University of New York Press, Albany, NY).
- Kim H-D (1990). *Korea and the United States: The Evolving Transpacific Alliance in the 1960s* (Research Center for Peace and Unification in Korea, Seoul).
- Kim I-Y (1996). *The Political Economy of a Chaebol's Capital Accumulation in South Korea: The Case of Samsung, 1938–1987* PhD thesis, Department of Political Science, University of Hawai'i.

- Kim S-J (1970). "South Korea's involvement in Vietnam and its economic and political impact" *Asian Survey* 10 519-532.
- Kim S, Park S-H (2007). "A critical reappraisal of the Park Chung Hee system", in *Marxist Perspectives on South Korea in the Global Economy* Eds M Hart-Landsberg, S Jeong, R Westra (Ashgate, Aldershot, Hants) pp 183-200.
- Koo H (2001). *Korean Workers: The Culture and Politics of Class Formation* (Cornell University Press, Ithaca, NY) Korea Daily Joong Ang Broadcasting Corporation, 2008, "The glory and disgrace of Hyundai construction company for 60 years", 8 July, <http://www.koreadaily.com>.
- Lahlum A H (1967). "Diary of a Contract, NBy 44105, Jan. 1962-Jun. 1967", unpublished manuscript, URS Corporation Library, Boise, ID.
- Lee M-B (2011). *The Uncharted Path: The Autobiography of Lee Myung-Bak* (Sourcebooks, Naperville, IL).
- Nakamura T (1995). *The Postwar Japanese Economy: Its Development and Structure, 1937-1994* (University of Tokyo Press, Tokyo).
- Naya S (1971). "The Vietnam War and some aspects of its economic impacts on Asian countries" *The Developing Economies* 9(1) 31-57.
- Ogle G (1990). *South Korea: Dissent within the Economic Miracle* (Zed Books, London).
- Park S-H (1989). "Linkages between industry and services and their implications for urban employment generation in developing countries" *Journal of Development Economics* 30 359-379.
- Park B-G (2011). "Territorial politics and the rise of a construction-oriented state in South Korea" *Korean Social Sciences Review* 1(1) 185-220.
- Polenske K R, Sivitanides P (1990). "Linkages in the construction sector" *Annals of Regional Science* 24 147-161.
- Ruttan V (2006). *Is War Necessary for Economic Growth? Military Procurement and Technology Development* (Oxford University Press, New York)
- Schaller M (1985). *The American Occupation of Japan: The Origins of the Cold War in Asia* (Oxford University Press, New York).
- Stubbs R (2005). *Rethinking Asia's Economic Miracle: The Political Economy of War, Prosperity, and Crisis* (Palgrave Macmillan, Basingstoke, Hants)
- Subcommittee on United States Security Agreements and Commitments Abroad of the Committee on Foreign Relations, United States Senate, 1970 *United States Security Agreements and Commitments Abroad: Republic of Korea* (US Government Printing Office, Washington, DC).
- van der Pijl K (1984). *The Making of an Atlantic Ruling Class* (Verso, London).
- Wade R (1990). *Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in East Asian Industrialization* (Princeton University Press, Princeton, NJ).

- Woo J-E (1991). *Race to the Swift: State and Finance in Korean Industrialization* (Columbia University Press, New York).
- Woo-Cumings M (1999). "Introduction: Chalmers Johnson and the politics of nationalism and development", in *The Developmental State* Ed. M Woo-Cumings (Cornell University Press, Ithaca, NY) pp 1-31.
- Yi K J (2000). "The U.S.-Korean alliance in the Vietnam War: the years of escalation, 1964-1968", in *International Perspectives on Vietnam* Eds L C Gardner, T Gittinger (Texas A & M University Press, College Station, TX) pp 154-173.

